

اقتصاد اسلامی هرگونه استثمار را بهر شکل از بین می برد

در سرمقاله شماره پیش پیرامون خطراتی که از جانب تروریستهای اقتصادی انقلاب اسلامی را تهدید می کند و ضرورت مقابله قاطع و پیگیر با آنها سخن گفتیم.

همچنین بانحاء و مناسبت های مختلف از ضرورت پیگیری مسائل ضداستثمار و بازپس گرفتن اموال غارت شده مردم و ایجاد نظام قسط اسلامی سخن گفته ایم.

گفتیم که پیچیده ترین و غامض ترین برخورد با تروریستهای اقتصادی بخشی است که در آن نیروهای خط امام مجبورند تا با حامیان فکری آگاه یا ناآگاه آنان مواجه شوند.

عمده ترین حربه ای که تروریستهای اقتصادی و حامیان فکری آنها برای مقابله با حاکمیت قسط اسلامی و محو استثمار انسان از انسان بکار می برند مخدوش کردن مسئله حرمت مالکیت در اسلام است که به شیوه های موزیانه ای میکوشند تا هر حرکت قسط طلبانه و عدالتخواهانه ای را بر علیه استثمارگران و جیاولگان بیهانه مخالفت، «مالکیت خصوصی» سرکوب کنند.

از طرف دیگر رومانی شدن چهره اقتصاد اسلامی یکی از ضروریات مهم جامعه اسلامی ماست که باحل آن بسیاری از معضلات و مشکلات اقتصادی - اجتماعی - سیاسی و حتی فرهنگی جامعه حل میگردد. در این رابطه میان دیدگاههای اسلام از زبان فقهای ارجمند و عالقدر که عمری را در راه اسلام سپری کرده، زجر و شکنجه و تبعید کشیده اند میتواند مردم را از آسیب پذیری در برابر تبلیغات سوء سرمایه داران و حامیان فکری آنها در امان دارد.

در شماره گذشته کلیاتی از نظرات امام امت را پیرامون مسئله مالکیت، اموال سرمایه داران و زمینداران و... خواندیم در این شماره سخنان فقیه عالقدر حضرت آیت الله منتظری را میخوانیم:



در نظام اسلامی کالا و خدماتی باید تولید و عرضه شود که همگان خصوصاً مستضعفان بدان نیازمندند و از تولید و عرضه کالا و خدماتی که تنها مخصوص طبقه مترفین است باید جلوگیری کرد.

برای حفظ حیات و سلامت و فعالیت های مادی و معنوی انسان واجب و ضروری است و سپس نیازهایی را باید برآورد که صالح و سالم بوده و موجب کمال و تعالی مادی و معنوی انسان باشد. کالا و خدمت حلال و طیب و مفید باید تولید شود و از تولید کالا و خدمات حرام و مفسد و مضر و لهد و بیهوده باید جلوگیری نمود. کالا و خدماتی باید تولید و عرضه شود که همگان خصوصاً مستضعفان بدان نیازمندند و از تولید و عرضه کالا و خدماتیکه تنها مخصوص طبقه مترفین است باید جلوگیری نمود.

نظامی مستقل است براساس اصل مالکیت مطلقه خدا بر همه چیز، بر موازین قسط و رعایت حقوق همه افراد استوار شده است. بدین منظور ما باید خود، تولید کننده خویش باشیم و براساس موازین زیر تولید کنیم:

«موازین» اقتصاد اسلامی

۱- نخستین، آن چیزهایی باید تولید شوند که

۲- تولید باید به اندازه کفاف عامه مردم باشد بطوریکه نه کمبایی ایجاد گردد و نه بریایی و نه اسراف، هرچیز باید انقدر تولید عرضه شود که

نظام اقتصاد اسلامی، نظامی کامل و جامع می باشد که در هر عصر و زمان قابل پیاده شدن است. خصوصاً در زمان ما، با کمک نیروی ایمان توده های مسلمان و استمرار انقلاب اسلامی و همت دولت و ملت جمهوری اسلامی، این نظام باید پیاده شود. نظام اقتصاد اسلامی نه سیستم کاپیتالیسم (سرمایه داری خصوصی است) و نه سیستم سوسیالیسم (سرمایه داری دولتی) و نه مخلوطی از این دو است! اقتصاد اسلامی

نیازهای راستین مردم را کاملاً اشباع نماید بطوریکه همه مردم بدون استثناء از داشتن معیشت درحد کفایت برخوردار باشند و کسی دچار مضمیقه و فقر نباشد و بدین منظور باید کالا و خدمات با قیمت عادلانه بدست همه برسد و همه بتوانند با داشتن درآمد مشروع و مکفی نیازهای خویش را برآورند و باید از وجوه توزیع ظالمانه جلوگیری شود.

۳- اقتصاد اسلامی هرگونه استثمار را بهر شکل از بین میبرد. اسلام میگوید هرکس باندازه

جامعه در مالکیت افراد شریک است!

۵- مالکیت فردی در اسلام بصورت مطلق نیست بلکه همواره جامعه در منافع ناشی از مالکیت افراد شریک است و دولت بدین منظور مالیاتهای بنام خمس و زکاة و غیره بنفع عموم از اموال درآمدها مطالبه میکند. بنابراین شکل مالکیت فردی در اسلام بصورت مالکیت

مالکیت از نظر کمی هم محدود است زیرا تکاثر و تجمع اموال و کتز و انحصار ثروت در طبقه ای خاص حرام میباشد و دولت برای ثروت افراد حدودی تعیین می نماید. از نظر حق تصمیم گیری در مالکیت فردی نیز افراد محدود هستند و خداوند حدودی را تعیین نموده است که در محدوده آن حدود افراد میتوانند در اموالشان تصرف نمایند و این حدود، حدودی است که مایه تکامل فرد شده و مصالح همگان را تامین مینماید و همچنین بنا بر اصل (ولایت) امام میتواند در موارد لازم در جهت تامین نیازهای جامعه در مورد اموال افراد تصمیم بگیرد و ولایت امام در اموال ضامن حفظ اسلامیت نظام اقتصادی و حافظ مصالح امت است و بدین ترتیب همواره مالکیت فردی نیز در جهت منافع عمومی بکار میرود.

مالکیت از نظر کمی هم محدود است زیرا تکاثر و تجمع اموال و کتز و انحصارات ثروت در طبقه ای خاص حرام می باشد و دولت برای ثروت افراد حدودی تعیین می نماید.



قدرتش باید کار کند و دسترنج هر فرد از آن او بوده و حاصل کار هر کس باید بخودش باز گردد. نه اینکه طبقه ای دیگر دسترنج آنان را غصب نمایند. بدین منظور باید شرایط مساوی برای کار کردن همه افراد فراهم گردد و حق هر کس را بطور کامل بخودش داد.

۴- اساس مالکیت در اسلام اصل خدا مالکی است. مالکیت مطلق از آن خداست و مالکیتهای دیگر امانتی است که خداوند به امام و امت سپرده است تا در مسیر قسط و تامین نیازهای همگان بکار برند. موارد ذیل در مالکیت عمومی بوده و پایه اصلی مالکیت را در اقتصاد اسلامی بنا می کند.

منابع طبیعی براساس اصل انفال در مالکیت عمومی است که عبارت است از: زمینهای موات و یا زمینهاییکه بحال خود رها شده اند و زمینهای خراب شده و هرزمین بی صاحب، براساس اقتصاد اسلامی زمین در اختیار کسانی قرار میگیرد که بروی آن کار میکنند و هرکس زمینی را به کار نگیرد از او گرفته خواهد شد معادن روی زمینی و زیر زمینی، جنگلها و پیشه ها، نزارها، قله کوهها، صحراها و اندرون آنها، رودخانه ها و دریاها، و همچنین اموال زیر جزو انفال محسوب میگردد: آنچه از شاهان باقی مانده است، هرمال بی صاحب و یا مجهول المالك ارث بی وارث، غنایم جنگی، اموال نفیس گران بها بازمانده از دشمن، اراضی ایکه به دولت اسلامی واگذار شده است. امور مذکور باید زیر نظر دولت حقه اسلامی در مصالح عمومی صرف شود و هیچکس حق ندارد قسمتی را بخود اختصاص دهد و همچنین زمینهای مفتوحه و موقوفات عامه از اموال عمومی است.

خصوصی عمومی است از آن گذشته مالکیت فردی از نظر کیفی محدود است زیرا انفال و سایر موارد فوق الذکر در مالکیت فردی در نمی آید و همچنین اسلام وظیفه دارد که از اختلاف فاحش درآمد ها جلوگیری نماید و بدین منظور ولی امر می تواند در هر زمان حداکثری اصولی

✽ اسلام می گوید هرکس به اندازه قدرتش باید کار کند و دسترنج هر فرد از آن او بوده و حاصل کار هرکس باید بخودش باز گردد.

تعیین نماید «لاضرر ولاضرار» و محدود شده است به مواردی که مستقیم یا غیر مستقیم زیانی به جامعه نرساند و یا موجب استثمار افراد دیگر نگردد.

عربا در نظر گرفتن نظام اقتصاد اسلامی و ضرورت پیاده کردن آن در شرایط کنونی، جامعه ما نیازمند به یک انقلاب اقتصادی است. تمامی نهادها و ضوابط و روابط فاسد سرمایه داری و شبه سرمایه داری و استثماری باید از بین برود و کلیه ضوابط و روابط اسلامی بر تولید و مبادله و بازار و توزیع و مصرف حاکم گردد. رباخواری باید از بانگهای کشور جمهوری اسلامی برداشته شود. ربا خواری موجب می شود که بجای اینکه سرمایه ها بجریان تولید افتاده و همه مردم کار و فعالیت نمایند عده ای به رباخواری پرداخته و بدون فعالیت تولیدی دیگران را استثمار نموده و به تن پروری و فساد و تباهی اشتغال ورزند سیستم مبادله و نظام بازار غیر اسلامی است.

بقیه در صفحه ۷۰

مراکش در دام.....

منطقه را به آشوب و تشنج کشانده و بعد به متشنج تشنج بودن منطقه و عدم وجود امنیت و ثبات به کشورها و رژیمهای وابسته به خود کمک نظامی میکند. یکی از کشورهایی که آمریکا در آن از چنین سیاستی استفاده کرده مراکش است که اهمیت فوق العاده ای برای آمریکا دارد. آمریکا اگر نتواند تسلط خود بر مراکش را حفظ کند، نخواهد توانست از بزرگترین منبع فسفات جهان استفاده کند از طرف دیگر مراکش بدلیل اینکه یکی از حلقه های کمربند آمریکا است آمریکا با از دست دادن آن یکی از پایگاههایش را گوشه دنیا از دست خواهد داد. و بهمین جهت مراکش برای آمریکا از اهمیت خاصی برخوردار است. با توجه به مجموعه عوامل ذکر شده است که آمریکا بر تسلط خویش بر مراکش اصرار می ورزد و ملاحظه میشود که از طریق پنتاگون هیئت های نظامی جهت مذاکره به مراکش اعزام میشوند و آمریکا با تبلیغات سرسام آور خود مبنی بر حمایت اعراب و حفظ امنیت داخلی و خارجی کشور مراکش در صدد توجیه اعمال خویش بر می آید آمریکا با مراکش به توافق رسیده اند که کمکهای نظامی زیادی از وسایل جنگی مدرن در اختیار مراکش گذاشته شود. ۱۶۰ تانک ۶۰ عکاس از جمله ابزار جنگی است که در اختیار شاه حسن قرار خواهد گرفت از طرف دیگر

فرانسه تیز با فروش ۵۰۰ میراژ سعی تثبیت حکومت مغرب دارد. وابستگی نظامی مغرب به آمریکا تا بدانجا پیش رفته است که مغرب ممکن است از آمریکا اوکس خریداری کند. و این احتمال پس از تصویب فروش هواپیماهای اوکس به عربستان سعودی توسط سنای آمریکا قریب الوقوع تر مینماید. چرا که دولت مغرب می اندیشد که با داشتن این گونه هواپیما خواهد توانست مبارزین صحرا را سرکوب نماید. جنگ با مبارزین صحرا باعث شده است که هزینه نظامی مراکش رو به افزایش گذارد. تعیین میزان هزینه واقعی جنگ چه از جهت پولی و چه از جهت نیروی انسانی برای مراکش مشکل است. لازم به تذکر است که بخش زیادی از هزینه جنگی مراکش از طرف سعودیها تامین میشود. علاوه بر وابستگی نظامی، مراکش از نظر اقتصادی نیز دارای سیستمی وابسته میباشد. در زمینه صنعت ملاحظه میشود که بیشتر کارخانه های مراکش در دست خارجیان بویژه سرمایه دارهای آمریکایی و آلمان غربی است. از طرفی دیده میشود که ۱/۴ میلیون مراکشی در کشورهای غربی کار میکنند و بسیاری از آنها در این کشورها آموزش می بینند. رشد اقتصادی کشور در سالهای ۳۰۷۸-۷۹ در حد کاهش داشته و همین کاهش باعث کند

شدن بخشهای ساختمان، صنایع اتومبیل و حتی واردات کشور شده است. میزان سرمایه گذاری دولت در بخش صنعتی در طول سال گذشته به میزان زیادی نزول کرده است. این میزان که در سال ۷۷، هفتاد و دو میلیون دلار بود بعلت وضع نابسامان اقتصادی در سال ۱۹۷۸ - به ۸/۵ میلیون دلار و در سال گذشته با ۳/۵ میلیون دلار رسید و این بزرگترین ضربه بر بیکر اقتصادی مراکش بود. در بعد سیاسی نیز دخالت آمریکا در مراکش از طریق سازمان امنیت مراکش که شاخه هایی از سازمان ضد جاسوسی آمریکا در منطقه است تحمیل میشود. از این مرکز است که انواع و اقسام توطئه ها علیه مبارزین صحرا و مخالفین داخلی صورت میگیرد و انواع شیوه ها جهت سرکوب هر نیروی مخالفی طرح و اجرا میشود. در حقیقت میتوان گفت که شاه حسن - مراکش را که قبلا جایگاه استعمار و فرهنگ و طرز تفکر فرانسویان بود به پایگاهی برای آمریکا و انهم پایگاه قوی و مطمئنی البته از دریچه چشم امپریالیستها تبدیل کرده است. بطوریکه حتی شاه حسن فراموش کرده که کشورش یک کشور عرب و مسلمان است و در مناقشات و درگیریهای اعراب و اسرائیل علاوه، از حضور ارتش خود جهت دفاع از آرمان اعراب در منطقه جلوگیری نمود. ادامه دارد

همزیستی... آشتی...

اهمیت نقش عربستان سعودی بایستی مورد توجه قرار گیرد. و چند روزی نمی گذرد که جنجال طرح صلح فهد اوج می گیرد و رفت و آمدها شروع می شود. این طرح چنان اسرائیل و آمریکا را به وجد می آورد که یکی از مقامات اسرائیلی می گوید این برای اولین بار است که یک مقام سعودی به موجودیت اسرائیل رسماً اعتراف می کند. رهبران فلسطین گویی چنان از عمق فاجعه بی خیرند یا خود را به جهالت زده اند که با وجود اینهمه اقدامات نظامی آمریکا در منطقه که حاکی از یک دیپلماسی میلیتاریستی دراز مدت در منطقه است هنوز از خواب بیدار نشده و برای بدست آوردن قطعه زمینی به استان بوسی شاهزاده سعودی رفته اند و نمیدانند که اگر قرار بود این یکی مراد بدهد آمریکائیان اینگونه راحت براو و دیگر متولیان جزیره العرب سوار نبودند.

خلاصه کلام اینکه سالهای مدیدی است که روند صلح آمریکایی در خاورمیانه جریان داشته و دارد ولی هرگز به این مرحله حساس و خطرناک نرسیده بود گرچه موضع گیری قاطع امام خمینی توانست مهر سکوت را از لسان بعضی از رهبران عرب برگرفته و این طرح را در کنفرانس فاس به شکست بکشاند ولی یقیناً آمریکا طرح فهد و طرحهای دیگر خود را پیگیری خواهد کرد و لازم است که رهبران فلسطینی چشمهایشان را گشوده و از خواب غفلت برخیزند و پیروزی عملیات ثامن الائمه و طریق القدس ایران را در جنگ با رژیم مزدور عراق که پشتیبانی بلوک شرق و غرب را بدنبال خود دارد الگویی برای مبارزه رهاییبخش خود قرار دهند و بدانند که آمریکا امامزاده ای نیست که به آنان مراد دهد. والسلام

اقتصاد اسلامی...

باید سیستم توزیع کالا و نظام بازار تغییر یابد و بازار اسلامی گردد. کشاورزی باید احیا شود و بدنبال جهاد سازندگی باید کشاورزی آغاز گردد. ملت باید بداند که برای حفظ دست آورد های انقلاب باید استقلال اقتصادی داشته باشد. همه نیروهای انسانی را باید آموزش داده و بکار بیاندازیم تا کشور از هر جهت خودکفا شود و نیاز اقتصادی و انسانی به کشورهای دیگر نداشته باشیم و همچنین بیکاری را در هر شکل و صورت از بین ببریم. اقتصاد کشور باید براساس اسلام رشد کند و هماهنگ با انقلاب و رشد اقتصادی انقلاب فرهنگی و اخلاقی نیز باید بگونه ای صورت گیرد و تعالی یابد که در آینده جامعه ای براساس برادری و مساوات ایجاد کنیم جامعه ای که همه در کنار هم برادروار اقتصاد خویش را براساس اینار بنا نمانیم. بامید پیروزی اسلام و نابودی هر نحو استبداد، استثمار و ظلم و تعدی...